ای دو کنيز مقرّب پروردگار نامه امة اللّه مادر بيچربنظر…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## ٣٦

ای دو کنيز مقرّب پروردگار نامه امة اللّه مادر بيچربنظر گذشت و فی الحقيقه لسان حال يکديگر بود لهذا خطاب بهر دو نمايم و صواب چنين دانم زيرا آن دو گوهر حکم يک جوهر دارند و آن دو شاخ از يک بنگاه روئيده‌اند هر دو عاشق يک دلبرند و مشتاق يک مهر انور.

و اميد چنين است که جميع امآء رحمن درآن سامان حکم امواج بحر بی‌پايان يابند هر چند بهبوب ارياح حوادث معدودند ولی بحقيقت دريای غير محدود.

چه خوش است اگر ياران مانند دسته شعاع همدم باشند و متّفق و متّحد و ثابت قدم زيرا پرتو حقيقت از شمس وجود وحدت سجود افاضه فرمود و کلّ را از فيض نامحدود در ظلّ ممدود محشور نمود پس بايد جانها حکم يک جان يابند و دلها حکم يکدل جويند کلّ از کثرات نفس و هوی نجات يابند وبوحدت محبّت اللّه حيات تازه جويند.

ای دو کنيز الهی وقت آنست که جام لبريز گرديد و مانند نسيم جانپرور جنّت ابهی در آن کشور مشک‌بيز شويد از شئون عالم هستی بيزار شويد و در هر رتبه آرزوی نيستی نمائيد شعاع چون بآفتاب رسد محو و فنا گردد و قطره چون بدريا رسد ناپديد شود عاشق صادق چون بمعشوق رسد معدوم شود.

انسان تا بمقام فدا قدم ننهد از هر موهبتی محروم گردد و مقام فدا مقام فنا و نيستی است تا هستی الهی جلوه نمايد و مشهد فدا ميدان
انقطاعست تا آيات بقا ترتيل گردد تا توانيد از خود بکلّی بيزارشويد و گرفتار آن روی پر انوار و چون باين مقام سجود فائز شويد من فی الوجود را در ظلّ خويش يابيد اينست موهبت کبری اينست سلطنت عظمی اينست حيات بی‌منتهی و ما دون آن عاقبت خسران مبين است و زيان عظيم.

الحمد للّه باب موهبت کبری گشاده است و مائده سماويّه حاضر و آماده و عباد رحمن و اماء حضرت يزدان بر اين مائده حاضر و جالس تا توانيد از اين نعم باقيه بهره و نصيب گيريد تا در دو جهان عزيز شويد \*